

## اندیشه ها و راهبردهای امام علی (ع) در تحقق اقتصاد مقاومتی

رضا تاج آبادی<sup>۱</sup>، مهدی فراهانی<sup>۲</sup>، سمیه شعبانی<sup>۳</sup>

### چکیده:

در بررسی برنامه ها و سیاستهای اقتصادی حضرت علی (ع)، یک جنبه از سخنان ایشان، اشاره به رفتار مسئولین و نقش محوری آنها در اقتصاد دارد و مواردی همچون عدالت اجتماعی، ساده زیستی و زهد، پرهیز از رشوه، حساسیت به بیت المال، و پرهیز از قوم گرایی و... را مورد تاکید قرار داده اند. در بخش دیگری از بیانات امام علی (ع) می توان نقش اساسی مردم به عنوان دومین رکن تحقق اقتصاد بر مبنای ارزشهای الهی را نظاره کرد، سفارش ایشان به کار و تلاش، احسان و نیکی به دیگران، اهمیت دادن به اصل قناعت و زهد در زندگی، دوری از دنیای مذموم و پرهیز از اسراف و تبذیر از اصلی ترین روشهای حضرت در این زمینه بوده است. الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع والگویی ماندگار از نظام اقتصادی اسلام است، که با به راه انداختن اصلاحات اقتصادی در سطوح وسیع، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه به وجود آورد که جلوه عدالت آن تا سالیان متمادی جامعه را دگرگون ساخت. مبارزه با فقر و فقر زدایی، قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی، سرمایه گذاری و تولید، بسامانی اقتصادی و بهره وری، عمران و آبادانی، نفی احتکار و تعدی اقتصادی، مجازات محتکران و متعدیان اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، زهد و قناعت، نظارت و کنترل بر بازار و امر تجارت، تقویت ایمان و تقوا، روحیه جهادی، حفظ عزت و کرامت انسانی و اخلاق حرفه ای به عنوان راهبردها و زمینه های تحقق اقتصاد مقاومتی بیان گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** عدالت اقتصادی، توسعه اقتصاد و بازار اسلامی، اقتصاد مقاومتی، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی - تماس 09188601964

<sup>۲</sup>. محقق و کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی

<sup>۳</sup>. کارشناس ارشد رشته حقوق عمومی

## مقدمه

سیاست اقتصادی در اسلام و به ویژه در اندیشه امام علی (ع) بر مبنای عدالت است، هدفی که باید به آن دست یافت. پذیرش خلافت از سوی ایشان، برای برقراری این هدف مقدس بود که برقراری عدالت اقتصادی نیز از آن جمله است. عدالت اقتصادی جز با از بین رفتن فقر در جامعه و رسیدن هر صاحب حقی به حق خودش، تحقق نمی یابد. (محمدی صیفار، 1393، ص: 227)

امام علی (ع) در سخنی، هدف کلی خود را از حکومت، بر پایی عدالت می داند و می فرماید: " اکنون هر ذلیل ستم دیده ای نزد من عزیز و ارجمند است تا حقش را بگیرم و به او دهم و هر نیرومند سرکش نزد من ناتوان و حقیر است که حق ستم دیدگان را از او بستانم. " ( نهج البلاغه، خطبه 37)

سخنان امام علی (ع) نشان می دهد تراج بیت المال، توزیع ناعادلانه آن، فاصله شدید طبقاتی، اسراف، اجحاف، اختلاس و .... در حکومت پیشین رخ داده و از مواردی است که به شدت از روش و سنت رسول خدا (ص) فاصله گرفته و جامعه را دچار بحران کرده است و سر انجام همین بحران ها، موجب شورش عده ای بر ضد خلیفه سوم و کشتن او شد. (محمدی صیفار، 1393، ص: 228)

پس از شناسایی موارد کج روی در نظام اقتصادی، اصلاح آن به برنامه ریزی نیازمند است. به باور امام علی (ع) در برنامه ریزی، باید نخست به نظام و ارتباط بخشهای گوناگون آن، نگاه کلان و سپس به هر بخش به صورت جداگانه نگرش خرد داشت. در جامعه قشرهای گوناگونی وجود دارد که با هم در ارتباط و به یکدیگر وابسته اند. اصلاح در بخشی از جامعه مانند اقتصاد در بخش ها و اجزای دیگر آن تاثیر می گذارد. بنابراین، سیاست گذاری کلان، مستلزم در نظر گرفتن تمام اجزا و تاثیر و اثرهای آنهاست. (محمدی صیفار، 1393، ص: 229)

از سوی دیگر، هر بخش یا جزئی از جامعه، خود به صورت نظام و دارای اجزاست و خرده نظامی از نظام کلان به شمار می رود. اصلاح در هر جزء، روشهایی ویژه دارد که از جزء دیگر متفاوت است. آنجا که حضرت، کار ویژه های هر یک از اقشار و وظایف حاکم و زمامدار را بیان می کند، ناظر به همان معنایی است که گفته شد. اندیشه ها، راهبردها و اصلاحات اقتصادی حضرت علی (ع) را با رجوع به نهج البلاغه می توان بیان کرد.

سیاستهای اقتصادی امام علی (ع) برای تحقق اهداف اقتصادی، راهکارهایی را برنامه ریزی برنامه ریزی کرد. برخی از این سیاست ها در دوران حکومت حضرت به مرحله اجرا گذاشته شد و پاره ای نیز در برنامه کار کارگزاران حکومت قرار گرفت. ابزارها در یک تقسیم بندی کلی شامل رهنمودهای اخلاقی - معنوی، ابزارهای کیفی و ابزارهای کمی می شود. رهنمودهای اخلاقی - معنوی، مهمترین ابزار سیاستهای اقتصادی دولت علوی را تشکیل می داد. این ابزار هر چند پایه و اساس قانونی به خود نگرفتند، ریشه در اعتقادات مردمی داشتند که بیش از سه دهه از دوره پیامبر (ص) فاصله نگرفته بودند و هنوز تحول عظیم اعتقادی و اخلاقی از ذهن آنان محو نشده بود. بنابراین فرهنگ سازی، احیای مجدد اخلاقیات، اعتقادات و مبارزه با کج اندیشی ها، محور سیاست گذاری امام علی (ع) بوده است. اندیشه اقتصادی در نزد امام (ع) بر پایه مسئولیت پذیری استوار بوده است. ایشان در برابر فقرا و مستمندان مسئول است تا غبار تنگدستی را از چهره آنان بزدايد. اصل تلاش و جدیت بر پایه مسئولیت استوار است. کار کردن از ارکان هر اقتصادی است و امام (ع) با بیان اهمیت کار در فرهنگ اسلامی، مردم را به کار و تلاش، بیشتر ترغیب می کرد. (افشار، 1390، ص: 245)

## بیان مسئله

این مقاله در پی یافتن پاسخ این سوال است که آیا در بیانات امام علی(ع)، مواردی در تایید راهبرد اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا می توان مولفه های اقتصاد مقاومتی را از بیانات امام علی(ع) استخراج نمود؟ به نظر می رسد، با بررسی کامل بیانات امام علی (ع) می توان دریافت که بحث اقتصاد مقاومتی دارای یک عقبه بسیار قوی و عمیق دینی است .

این مقاله با استناد به سخنان گهربار امام علی(ع)، درصدد واکاوی و بررسی مولفه ها و الزامات راهبرد اقتصاد مقاومتی می باشد.

## پیشینه تحقیق

مهدوی سیرت (1393) در پایان نامه خویش با نام الگوی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه ، اظهار کرده است که در پژوهش حاضر به استخراج الگوی اقتصاد مقاومتی، با تکیه بر آموزه های نهج البلاغه، اهتمام شده است. روش پژوهش تحلیل محتوا به شیوه توصیفی است. به دلیل رابطه ای که بین تحریم اقتصادی و اقتصاد مقاومتی وجود دارد ابتدا به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تحریم اقتصادی و اثر تحریم بر اقتصاد برخی کشورهای مختلف، پرداخته شده است، سپس زمینه ها و الزامات اقتصاد مقاومتی از بین فرمایشات امیرالمومنین(علیه السلام) استنباط و استخراج گردیده است. فرهنگ سازی عمومی، تقویت ایمان و تقوا، روحیه جهادی، حفظ عزت و کرامت انسانی و اخلاق حرفه ای به عنوان زمینه های تحقق اقتصاد مقاومتی بیان گردیده است. اقتصاد مردمی، اقتصاد دانش بنیان و شکوفائی بخش های مهم اقتصادی(زراعت، صنعت و تجارت) الزاماتی برای دست یابی به رفاه عمومی، رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی و امنیت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی از دیگر دست آوردهای این پژوهش است .

جلالی پور (1394) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان " شاخصه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام علی(ع)با تاکید بر نهج البلاغه " بیان داشته است که یکی از موضوعاتی که در سال های اخیر و بیشتر در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته است ارائه یک نظام اقتصادی جایگزین به جای سیستم اقتصادی غربی می باشد، به این دلیل که اقتصاد سرمایه داری غرب در حل مشکل فقر و از بین بردن بسیاری از ناهماهنگی های اقتصادی شکست خورده است. از سوی دیگر، آسیب ها و چالش های فراوانی که در حوزه اقتصاد کشور رفتارهای اقتصادی دولت و مردم وجود داشته و دارد از جمله: مصرف گرایی، اسراف بی رویه و نداشتن الگوی مصرف، پایین بودن ساعات کار مفید در کشور، بالا بودن نرخ بیکاری، پایین بودن نرخ بهره وری، مشکلات معیشتی مردم به ویژه طبقات محروم، تهاجر به مصرف کالاهای خارجی، تجمل گرایی برخی از مسئولان و مردم، پایین بودن وجدان کاری، دلالی و واسطه گری، ضعف توسعه در حوزه کشاورزی و سایر مشکلات، یکی از دغدغه های اصلی انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب بوده است. به همین دلیل نظریه اقتصاد مقاومتی یا «مقاوم سازی اقتصاد» از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد که در صورت تحقق، راهگشای بسیاری از مشکلات اقتصادی است. هدف از انجام این پژوهش برداشتن گامی کوچک در راستای اصلاح نظام اقتصادی کشور با تبیین سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی طبق سیره و فرمایشات حضرت علی (ع) می باشد لذا در این پژوهش مبانی فکری اقتصاد مقاومتی، زیرساخت های فعالیت های اقتصادی سالم و آثار و فواید اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام علی (ع) و اقدامات اقتصادی ایشان در راستای اقتصاد مقاومتی، بیان شده است .

اشرفی امین (1396) در پایان نامه دکترای خود تحت عنوان " شاخص های پیشتازی و ایستایی اقتصادی مسلمانان در چهار دهه نخست هجری در پرتو نهج البلاغه " بیان کرده است که اهمیت بحث در چهار دهه نخست هجری در نزدیک بودن پیاده سازی آموزه های قرآن و پیامبر (ص) در عرصه اقتصادی از سوی مسئولان بوده و شایسته ترین فرد برای این امر، حضرت

امام علی علیه السلام به شمار می‌رود. این بررسی معطوف به حوزه اقتصاد خواهد بود؛ گرچه مباحث اقتصادی با عرصه‌های دیگر همچون فرهنگ و سیاست ارتباط تنگاتنگی دارد. با اینکه محوریت این رساله با نهج البلاغه خواهد بود، ولیکن در تبیین و تحلیل مطالب از تفاسیر قرآنی، کتب حدیثی، کتب تاریخی و برخی کتاب‌های نوشته شده در حوزه اقتصاد نیز بهره برده خواهد شد. رشد اقتصادی به افزایش درآمد ملی از طریق ازدیاد کمی تولید کالاها و خدمات اقتصادی با نرخ معین (6 درصد به بالا) گفته می‌شود. گرچه ممکن است رشد اقتصادی الزاماً همراه بهبود زندگی مردم نباشد. ولیکن توسعه اقتصادی بهبود کیفی زندگی توده‌های مردم را نیز به دنبال دارد. گرچه سازمان‌های بین‌المللی برای تشخیص و اندازه‌گیری توسعه اقتصادی، شاخص‌هایی را ارائه کرده‌اند، ولیکن آنها نیازمند بازنگری و بومی‌سازی است و بخشی از آنها با اقتضانات جامعه مسلمانان سازگاری ندارد.

## ضرورت و اهمیت پژوهش

چند سالی است که نظریه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است. پرداختن به این موضوع به دلایل مختلف امری واجب و ضروری است. از یک طرف دشمنان ملت ایران تلاش دارند تا نسبت به درهم ریختگی اقتصاد ایران اقدام کنند و از ناحیه اقتصاد، ضرباتی را به ملت شریف ایران اسلامی وارد کنند و از طرف دیگر مقاومت در اقتصاد، راهبردی موثر و کارآمد برای عبور از این مرحله است. از سویی دیگر، موضوع اقتصاد مقاومتی موضوعی بسیار ضروری و لازم است. لذا بررسی اقتصاد مقاومتی در اندیشه‌های امام علی (ع) و نهج البلاغه که خود بخش مهمی از آموزه‌های دینی مسلمانان را شامل می‌شود، از اهمیت و ضرورت انکار ناپذیری برخوردار است.

## سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در منظر امام علی (ع)

اهداف سیاست‌های اقتصادی دولت علوی را می‌توان با توجه به تعریف دولت و مبانی تشکیل آن و همچنین وظایف دولت، استخراج و به غائی و مبانی تقسیم کرد. سیاست‌های اقتصادی نیز، تدابیر و اقداماتی ابزار هستند که برای رسیدن به این اهداف اتخاذ می‌شوند. هدف تشکیل حکومت اسلامی، برقراری حاکمیت الهی ارزش‌ها و حدود الهی و نزدیک تر نمدن مردم به سوی خداوند بوده است. (افشار، 1390: ص244) امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "پروردگارا!، تو می‌دانی که آنچه ما کردیم نه برای این بود که ملک و سلطنتی به چنگ آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی بیندوزیم بلکه به خاطر آن بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را باز گردانیم و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم‌دیده ات، امان یابند و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر عملی گردد. (نهج البلاغه، خطبه 131)

## 1- مبارزه با فقر و فقر زدایی

حضرت علی (ع) زشت‌ترین، گزنده‌ترین و تباه‌کننده‌ترین پدیده اجتماعی را فقر می‌شمرد و جامعه فرو رفته در فقر را جامعه ای زنده نمی‌دید و از اینرو هشدار می‌داد: "الفقر الموت الاکبر". ناداری مرگ بزرگ تر است. " (نهج البلاغه، حکمت 163)

مردن و از دنیا رفتن، سخت است، اما در برابر سختی و رنجی که فقر بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند چیزی نیست زیرا ناداری، هر روز و هر ساعت آدمی را می‌کشد و پیامد‌هایی را بر او و زندگی، روابط و مناسباتش بار می‌سازد که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. (دلشاد تهرانی، 1394: ص1012) بر این اساس است که در هشدارهای امام علی (ع) تندترین تعبیرها درباره فقر آمده، چنان که فرموده است: "الفقر الموت الاکبر" در گور رفتن از ناداری بهتر است. (کلینی، 1388، ج8، ص21)

امیر مومنان علی (ع) با چنین نگاهی به فقر، بر آن بود که فقر را به تمام معنا از جامعه بزدايد و او در دعای خود از فقر به خدا پناه می برد که آن را چنین تباه می دید: " اللهم انی اعوذ بک ان افقر فی غناک . "

خدایا به تو پناه می برم از اینکه نادار شوم در بی نیازی تو . (نهج البلاغه ، دعای 215)

حضرت علی (ع) تلاش می کرد تا همگان دریابند که فقر تا چه اندازه تباه کننده است و لازم است برای زدودن آن تلاش‌های اساسی صورت گیرد . وی در آموزه های خود به فرزندش حضرت مجتبی (ع) فرموده است : " فنعوذ بالله من الفقر . " از ناداری به خدا پناه می بریم . (الشعیری ، 1382 : ص 106)

خداوند به مردمان کم امکانات بخشیده است تا آنان در ناداری زیست کنند ، بلکه این روابط و مناسبات ستمگرانه و بی تدبیری ها و بد مدیریت کردن ها است که موجب پیدایش فقر و حاکم شدن ناداری و کمبود داری بر جوامع می شود ، چنانکه امام علی (ع) فرموده است : " بدانید زمینی که شما بر پشت خود می برد و آسمانی که بر شما سایه می گسترد پروردگار شما را فرمانبردارند . و برکت آن دو بر شما نه از راه دلسوزی است و نه به خاطر جستن نزدیکی و نه به امید خبری است که از شما دارند بلکه به سود شما مامور شدند و گردن نهادند و برای مصلحت شما برپاشان داشتند و ایستادند . خدا ، بندگان خود را به کیفر کارهای زشت و نادرست آنان ، مبتلا سازد به کاهش میوه درختان و به ناباریدن باران و بستن گنجینه های خیر به روی ایشان . ( نهج البلاغه ، خطبه 143 )

و نیز فرموده است : " سوء التدبیر مفتاح الفقر . " بی تدبیری و بدی مدیریت ، کلید فقر است . (خوانساری ، 1360 : ج 4 ، ص 132)

حقیقت آن است که کمبود داری و ناداری انسان را در تنگناهای گوناگون قرار می دهد و وجوه مختلف حیات معقول و انسانی او را تهدید می کند .

حضرت علی (ع) در سخنی والا به فرزند خود محمد حنفیه درباره تنگدستی و پیامدهای مصیبت بار آن چنین فرموده است : " پسر من ، همانا از تنگدستی بر تو بیمناکم ، پس از آن به خدا پناه ببر که تنگدستی دین را زیان دارد و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آورد . " ( نهج البلاغه ، حکمت 319 )

پیامدهای تباه گر تنگدستی محدود به یک وجه خاص از تربیت نمی شود بلکه کمبود داری و ناداری موجب افول در دینداری می شود زیرا اندیشه شخص مشغول تنگدستی می شود و انسان ، نیرو و توان لازم برای عبودیت درست و عبادت با نشاط را از دست می دهد . همچنین مهمترین شان آدمی که خردمندی اوست دچار سردرگمی و آشفتگی می گردد و در مرتبه ای نازل گرفتار می شود و نیز انسان در مناسبات و روابط اجتماعی خود آسیب می بیند و به کینه و دشمنی کشیده می شود . (دلشاد تهرانی ، 1379 : ص 101)

نظام عالم و قانونمندی حاکم بر هستی، چنان است که نتیجه بی تدبیری ، مدیریت نابکارانه ، ستمکاری و تباه گری و پیدایش گروهها و طبقات فزون خواه و استثمارگر ، در کنار گروهها و طبقات محروم و نادار و ستم اقتصادی رو به افزایش است ، به بیان امام علی (ع) : " ما جاع فقیر الا بما منع به غنی . " هیچ فقیری گرسنه نمانده است مگر بدان علت که توانگری حق او را به وی نداده است . (نهج البلاغه ، حکمت 328)

چنین مناسباتی بزرگترین تجاوز به انسان و انسانیت و چنین فقری سختترین مجازات برای مردمان است ، چنان که در حکمتهای روایت شده از امیرمومنان حضرت علی (ع) آمده است :

" ما ضرب الله العباد بسوط اوجع من الفقر . " خداوند بندگان را به سبب بی تدبیری و ستمگری شان با تازیانه ای دردآورتر از فقر نژده است . (ابن ابی الحدید، 1393: ج 20، ص 301)

امام علی (ع) فقر را اینگونه ویرانگر می دید و همتش بر آن بود که این پدیده خانمان سوز را براندازد . در دیوان منسوب به آن حضرت ابیاتی آمده است که این نگاه را به خوبی حکایت می کند :

بلوت صروف الھر ستین حجه و جربت حالیه من العسر و الیسر

فلم ار بعد الدین خیرا من الغنی و لم ار بعد الکفر شرا من الفقر (بییهقی نیشابوری کدری ، 1373: ص 262)

شصت سال ، دگر گونیهای روز گار را آزمودم و هم حالت تنگنایش را تجربه کردم و هم حال آسانی اش را . پس از دین ، چیزی را بهتر از توانگری نیافتم و پس از کفر ، چیزی را بدتر از فقر ندیدم .

فقر مالی از دیدگاه امام علی (ع)، امری نامطلوب و تخریب کننده فکر و عقل و همچنین دین و شخصیت انسان ها می باشد . از دیدگاه امام علی (ع)، در ارتباط با فقر و فقرزدایی چند عامل موثر می باشد و لذا وظایف متفاوتی برای اقشار و نهادهای مختلف در جامعه برای رفع فقر در نظر گرفته شده است که در زیر به آنها اشاره می شود:

الف- وظایف فقرا: امام فقرا را به کار و تلاش و کوشش فراوان، حتی اگر منجر به دور شدن از محل زندگی ایشان شود،

دعوت می کند. آن حضرت می فرماید: در غربت و دوری از وطن خجالتی نیست. خجالت این است که در وطن باشی و فقیر باشی . ( آمدی، 1378: ص 57)

از دیدگاه امام کسی که با داشتن ابزار اولیه چون آب و خاک، به دلیل تنبلی یا بیکاری و کم کاری به فقر مبتلا شود، خود مسئول فقیر بودن خویش می باشد و خود را از رحمت گسترده الهی بی نصیب خواهد کرد . آن حضرت می فرماید: هر کس آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور می کند. (رشاد، 1385: ص 230)

ب- وظایف اغنیا: از دیدگاه امام، اغنیا و ثروتمندان در جامعه اسلامی وظایف و تکالیفی برای مقابله با فقر و فقرزدایی دارند. اغنیا و ثروتمندان باید ثروت خود را به جریان اندازند و زمینه استفاده دیگران را نیز فراهم نمایند . ضمنا میانه روی در صرف مال، تواضع و سودرسانی و عدم دلبستگی شدید به مال و ثروت از جمله توصیه های امام به اغنیا می باشد . آن حضرت می فرماید:

- مومن در حالی که برادر دینی او گرسنه است، سیر نمی خورد . (رشاد، 1385: ص 182)

- با میانه روی، اسراف را کنار بگذار و امروز به فکر فردا باش و از مال به میزان ضرورت و نیاز نگهدار . (رشاد، 1385: ص 521)

ج- وظایف دولت: امام یکی از عوامل بروز فقر در جامعه را دولتهای فاسد و ستمکار می داند که با زور اموال مردم را غصب کرده و در اختیار نزدیکان خود قرار می دهند. وی می فرماید: خرابی هر سرزمین نتیجه فقر مردم آن است و فقر مردم نتیجه حریص بودن والیان بر جمع مال می باشد . (رشاد، 1385: ص 216)

بنابر این، از دیدگاه آن حضرت وجود دولت سالم و باتقوا در جامعه اسلامی، یکی از ارکان مقابله با فقر می باشد.

## 2- قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی

عدالت اقتصادی بدون قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی راه به جایی نمی برد و تا زمانی که ریشه های ستم اقتصادی ، تجاوز گری و چپاول اقتصادی بریده نشود ، مبارزه با فقر معنا نمی یابد و فقر زدوده نمی گردد . بر این اساس بود که امیرمومنان علی (ع) از نخستین روز به دست گرفتن حکومت به قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی همت گماشت ، فرمان داد تا دارایی های عمومی به غارت رفته به بیت المال بازگردانده شود ، سرانه بیت المال را به مساوات تقسیم کرد و کارگزاران فاسدی را که داراییها را از آن خود می دانستند و نابکارانه عمل می کردند عزل نمود . اینها نخستین اقدامات امام علی (ع) در برقراری عدالت اقتصادی بود و همین اقدامات ، موجبات بیشترین مخالفت و مقابله با حکومت او را فراهم ساخت . ( دلشاد تهرانی ، 1394 : ص 1015) ابن ابی الحدید معتزلی از قول کلبی روایت کرده است که چون حضرت علی (ع) حکومت را به دست گرفت و اصلاحاتی اساسی را در حکومت آغاز کرد و این کار را با بازگرداندن داراییهای به غارت رفته شروع نمود ، خبر کارهای او به عمر و بن عاص رسید که در آن زمان در سرزمین ایله از مناطق شام بود و به هنگام هجوم مردم بر عثمان ، بدانجا رفته بود .

وی نامه ای به معاویه نگاشت و در آن او را چنین آگاه ساخت : " هرچه می خواهی ، انجام بده ، که فرزند ابوطالب تو را از ثروت هایت جدا سازد ، آن گونه که پوست عصارا از آن جدا کنند . " ( ابن ابی الحدید ، 1393 : ج 1، ص 270)

حضرت علی (ع) به هیچ کس اجازه نمی داد که روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی را ادامه دهد . در ابتدای حکومت خویش در نامه ای به اشعث بن قیس ، استاندار آذربایجان که در زمان عثمان ، بدانجا منصوب شده بود ، نوشت : " بی گمان مسئولیت و کارگزاری ات برایت طعمه ای نیست ، بلکه امانتی است بر گردنت .... در دست تو مالی از مالهای خدا (اموال عمومی) است و تو آن را خزانه داری . " ( نهج البلاغه ، نامه 5)

امام علی (ع) زمینه های ستم اقتصادی را بست و هر جا راهی در این جهت گشوده شد ، به سرعت و با شدت آن را مسدود ساخت و در این باره هیچ ملاحظه ای جز ملاحظه حق و عدالت نمی کرد ، چنان که به محض رسیدن گزارشی از تعدی اقتصادی کارگزاری ، امام (ع) بلافاصله آن را ریشه کن می ساخت تا ستم اقتصادی پا نگیرد ، که با پا گرفتن آن ، عدالت اقتصادی و فقر زدایی بی معنا می شود . نامه امام (ع) به زیاد بن ابیه ، جانشین عبدالله بن عباس ، گویای حساسیت وی در جلوگیری از پیدایش هر گونه خیانت و حتی غفلت و سهل انگاری مالی کارگزاران ، یاران و فرماندارانش است . (جعفری، 1381 : ج 4، ص 153)

" و همانا من به خدا سوگند می خورم ، سوگندی راست ، که اگر به من گزارش رسد که تو در غنیمت مسلمانان و دارایی عمومی آنان ، چیزی اندک یا بسیار ، خیانت کرده ای ، بی گمان چنان بر تو سخت بگیرم که آن سخت گیری تو را تهیدست و سنگین بار و خوار در کار کند ، بدرود . " (نهج البلاغه ، نامه 20)

امام علی (ع) در رویارویی با هر گونه ستم اقتصادی ، اندک یا بسیار ، سخت حساس بود و از هیچ نوع آن گذشت نمی نمود که به خوبی می دانست تا ریشه های ستم اقتصادی از جانب هر کس و هر گروه زده نشود ، عدالت اقتصادی پا نمی گیرد و فق زدوده نمی شود، چنانکه در نامه ای به زیاد بن ابیه ، هنگام مسئولیتش بر خراج بصره ، یادآور شده است : (جعفری، 1381 : ج 4، ص 158)

پس با در پیش گرفتن میانه روی ، گزاف کاری و گزاف خرجی را واگذار و امروز ، فزونی را برای روز نیازت پیش فرست . آیا امید داری که خداوند پاداش فروتنان را به تو ببخشد، حال آن که تو در نزد او از گردن فرازان باشی ؟ و چشم می داری که پاداش بخشندگان راستین را یابی ، در حالی که در ناز و نعمت غلتنی و دریغ داری که آنرا به بیچاره ناتوان و بیوه زنی برسانی ؟ بدان که آدمی پاداش یابد بدانچه کرده است و در آید بدانچه از پیش فرستاده است . " (نهج البلاغه ، نامه 21)

همچنین شدت عمل امام (ع) در جلوگیری از ستم اقتصادی عبدالله بن عباس که بخشی از بیت المال را به عنوان حق خود برداشته بود، نشان دهنده رویه امام در این عرصه است: "پس از ستایش و سپاس پروردگار و درود بر پیامبر بزرگوار، چیزی از تو به من گزارش رسیده است که اگر آنرا انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده ای و از فرمان پیشوایت سرپیچیده ای و امانت داری خود را به خواری کشانده ای."

به من گزارش رسیده است که تو زمین را از عایدات آن خالی گذاشته ای و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاه داشته ای و هر چه زیر دستانت بوده است خورده ای. پس حساب کارهایت را به من باز پس ده و بدان که حسابرسی خدا از حسابرسی مردمان بسی بزرگتر است. " (نهج البلاغه، نامه 40)

چون ابن عباس در بازگرداندن دارایی ها بهانه جویی پیشه کرد، امام او را سخت تهدید کرد تا ابن عباس از ستم اقتصادی خود بازگشت و کار را اصلاح کرد. امام (ع) در نامه تهدید آمیز خود به ابن عباس آورده بود: "

پس از خدا پروادار و دارایی های این مردم را به ایشان بازگردان و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم، کیفریت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزد من جز که به آتش درآمد. " (نهج البلاغه، نامه 41)

امام علی (ع) نه فقط در مواردی این چنین با شدت رفتار می کرد که از کمترین ستم اقتصادی گذشت نمی نمود و اجازه نمی داد حقوق اقتصادی مردمان زیر پا گذاشته شود و ناروایی اقتصادی هر چند اندکی رسم گردد. تا اینگونه با هر نوع ستم اقتصادی مقابله نگردد و جلوی آن به جد گرفته نشود، نمی توان انتظار داشت تا عدالت اقتصادی استوار گردد. (دلشاد تهرانی، 1394، ص: 1020)

### 3- سرمایه گذاری و تولید

راه بردن به عدالت اقتصادی، بدون سرمایه گذاری و تولید، ناممکن است. تا سرمایه ها و ثروت های عمومی و خصوصی به درستی در چرخه اقتصادی قرار نگیرد و موجب افزایش دارایی ها و بهره مندی همگانی نگردد راه تحقق عدالت اقتصادی هموار نمی شود. امیرمومنان علی (ع) بر سرمایه گذاری و تولید اهتمام داشت و خود در این راه بسیار تلاش کرد. ابن ابی الحدید معتزلی در این باره چنین روایت کرده است: "او با دستان خود کار می کرد و همواره زمین را کشت و آبیاری می نمود و نخل می کاشت و تمام این کارها را شخصا انجام می داد و چیزی از دستاوردش را کم و یا زیاد، برای خودش و یا بازماندگانش نگذاشت، بلکه همه آنها وقف شد. (ابن ابی الحدید، 1393: ج 15، ص 147)

امام علی (ع) با کار فراوان به تولید و سرمایه گذاری پرداخت و با کمترین بهره مندی شخصی، بیشترین سودرسانی اجتماعی را سامان داد تا راه عدالت اقتصادی را به سهم خود هموار سازد.

امام علی (ع) در کار، تولید و سرمایه گذاری چنان تلاش می کرد که مایه شگفتی است. از امام صادق (ع) در این باره آمده است: "همانا امیرالمومنان (ع) در حالی که بارهایی از هسته خرما همراهش بود می رفت. به وی گفته شد که این باری که همراهت است چیست؟ گفت: اگر خدا بخواهد درخت خرما. پس آن هسته ها را کاشت و حتی یک هسته را هم وانهاد. " (الکلینی، 1388: ج 5، ص 75)

نمونه برجسته سرمایه گذاری و تولید امام علی (ع) مزرعه یبوع است. مزرعه ای در 165 کیلومتری غرب مدینه، در ساحل دریای سرخ که به دلیل وجود چشمه ها و چاه های فراوان که آن چشمه ها و چاه ها را تا 170 یاد کرده اند، بدین نام خوانده شده است و امیرمومنان علی (ع) آنجا را آباد کرده بود و مزرعه ای بزرگ با این چشمه ها و چاه ها به پا ساخته بود و آن را وقف نموده بود تا زمینه ساز عدالت اقتصادی باشد. (دلشاد تهرانی، 1394: ص 1022)



تاکید امام علی (ع) بر سرمایه گذاری و تولید چنان بود که در وقف نامه ای که پس از بازگشت از صفین نگاشته با سرپرستان و کارگزاران املاک خود شرط کرده است که درختان را نه ببرند و نه بفروشند و اصول آنها باقی بماند و بار و بر آنها را چنان که فرمان داده و راهنمایی کرده به مستحقان ببخشند و نیز نهال هایی را که برای تکثیر به کار می رود، به فروش نرسانند، بلکه پاجوش ها و نهال ها را در همان زمین ها بکارند تا روز به روز و سال به سال آن باغ ها گسترده تر شود و محصول و میوه آن به مستحقان بیشتری برسد. (جعفری، 1381، ج 4، ص 187)

سفارش امام (ع) چنین است: " با کسی که این کار را بدو واگذار کرده، شرط می کند که اصل مال را به حال خود نهد و از میوه آن انفاق کند، چنان که بدو فرمان داده و راهنمایی شده است و این که پاجوش ها و نهال های تازه خرما بنان این قریه ها را نفروشد تا آنجا که زمین باغستان هایش با درخت تازه کاشته شده اش انبوه شود، به گونه ای که شناخت آن برای بیننده دشوار گردد. (نهج البلاغه، نامه 24)

حضرت علی (ع) کارگزاران خود را در جهت فراهم کردن زمینه سرمایه گذاری و تولید سفارش می کرد و بر این امر تاکید می نمود، چنان که در عهد نامه مالک اشتر فرموده است: " در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج گزاران، به سروسامان رسیدن دیگران است و کار دیگران به سرو سامان نمی رسد مگر بوسیله خراج گزاران؛ برای اینکه مردمان همگی روزی خوارانی هستند بارشده بر خرج و خراج گزاران. (نهج البلاغه، نامه 53)

امکان تامین همگانی و زمینه عدالت اقتصادی با سرمایه گذاری و تولید فراهم می شود و جامعه ای که نتواند این امکان را فراهم سازد محکوم به زیستن در سایه فقر است. امام علی (ع) چنان این امر را مهم و اساسی دانسته که فرموده است: " هر که آب و خاکی بیاید و تنگدست شود، خداوند او را از رحمت خویش دور سازد. " (المجلسی، 1403، ج 103، ص 65)

مردمانی که نتوانند به درستی سرمایه ها را به کار اندازند و چرخه تولید را فعال کنند، از رحمت خدا به دورند و تازیانة فقر پیوسته آنان را می نوازد. از نظر امام علی (ع) پذیرفته نیست که کمترین امکانات تولید و کسب درآمد باشد و باز هم کمبود داری و ناداری دیده شود که چنین چیزی مایه ننگ دولت ها و مردمان است. امام (ع) به کارگزاران و فرماندهان تاکید می کرد که مبادا از جانب آنان ستمی بر تولیدکنندگان و چرخه اقتصادی برود. (دلشاد تهرانی، 1394، ص 1024)

امام علی (ع) را دستیابی به تامین همگانی و همواری مسیر عدالت اقتصادی را در سرمایه گذاری، کار و تلاش اقتصادی و تولید می دید و خود بیش از هر کس بدان اهتمام می ورزید و می آموخت که همگان به تمام معنا در راه تولید اقتصادی فعال شوند. از قول محمد بن خالد ضبی نقل شده است که ابراهیم نخعی بر زنی که او را ام بکر می خواندند، گذشت که صبحگاه بر در خانه اش نشسته بود و در دستش دوکی بود که با آن ریسندگی می کرد. ابراهیم گفت: ای ام بکر! دیگر پیر شده ای. آیا وقت آن نرسیده است که دوک را بر زمین بگذاری؟ ام بکر گفت: " چگونه آنرا بر زمین بگذارم که شنیدم علی بن ابیطالب، پیشوای مومنان، می فرمود: ریسندگی از گواراترین کسب و کارها است. (دلشاد تهرانی، 1394، ص 1025)

زمانی که روحیه سرمایه گذاری و تولید در جامعه حاکم گردد و میدان آن از هر جهت فراهم شود، تکیه گاهی استوار برای تامین همگانی و عدالت اقتصادی شکل می یابد.

#### 4- بسامانی اقتصادی و بهره وری

لازمه تامین مالی همگانی و فراهم شدن عدالت اقتصادی، بسامانی روابط و مناسبات اقتصادی و بهره وری درست از همه امکانات اقتصادی است. با وجود نابسامانی اقتصادی، به دلایل اقتصادی و غیر اقتصادی و نبود بهره وری درست، عدالت اقتصادی زمینه تحقق نمی یابد زیرا جامعه و دولت نابسامان، منشا آشفتگی و بی نظمی و خودکامگی و ویژه خواری و مایه انواع

ستم و بی عدالتی اقتصادی است و نبود بهره وری ، حاصل اقتصادی ناکارآ و ناسالم است و با وجود چنین شرایطی فقط ستمگران بهره منده می شوند و تامین همگانی و عدالت اقتصادی امکان ظهور نمی یابد . (دلشاد تهرانی ، 1394 : ص 1025)

امیرالمؤمنان حضرت علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین هشدار داده است : " و ویرانی زمین تنها از تنگدستی دارندگان زمین پیش می آید و دارندگان زمین تنها و تنها با روی نهادن فرمانداران به گرد آوردن دارایی برای خویش و بدگمانی شان به ماندگاری در کار و کمی سود جستن از گذر آموزیها است که تنگدست می شوند . ( نهج البلاغه ، نامه 53)

نابسامانی دولت و ملت و وجود روابط و مناسبات ستمگرانه ، اجازه تامین همگانی و تحقق عدالت اقتصادی را نمی دهد که این دو غیر قابل جمع اند ، به بیان امام علی (ع) : " آن گاه که حکمران ستم ورزد ، آبادانی پدید نخواهد آمد . " ( خوانساری ، 1360 : ج 6 ، ص 404 )

جامعه ای می تواند راه رسیدن به عدالت اقتصادی را طی کند که از نیروی انسانی ، امکانات، دارایی ها و تجهیزات ، حداکثر سود ممکن را با بهره گیری و استفاده بهینه در جهت رفاه عمومی به دست آورد . امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر ، اهتمام به مطلوب ها را که موجب بهره وری در امور است ، چنین بیان نموده است : " و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که در جهت حق از همه کارها میانه تر باشد ، و در جهت عدالت همگانی تر و در جهت خشنودی شهروندان فراگیر تر . ( نهج البلاغه ، نامه 53)

معتدل ترین سیاستهای اقتصادی که بیش از همه عدالت را فراگیر سازد و بیشترین خشنودی شهروندان را فراهم نماید، می تواند بهره وری را تا اندازه ممکن بالا ببرد . اقتصاد بسامان بستر بهره وری عدالت گرایانه است و حکومت و دولت و سازمان موفق آن است که بتواند به اوج بهره وری دست یابد ، چنان که امیرمؤمنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر ، پس از ارائه مجموعه ای از مبانی ، اصول ، روش ها ، سیاست ها و اخلاق مدیریتی ، حاصل دریافت درست و عمل به آنها را موفقیتی با بهره وری تمام معرفی کرده است و فرموده است : " من به وسیله رحمت گسترده و توانمندی بزرگ خدا بر دادن هر خواسته ای ، از درگاهش می خواهم که مرا و تو را به کاری توفیق دهد که خشنودی او در آن است و آن بر پای داشتن عذر آشکار به درگاه او و به پیشگاه آفریدگانش است، همراه با نیک ستایی و نام نیک در میان بندگان ، و اثر زیبا و برازنده در سرزمین ها و تمام شدن نعمت و چند برابر کردن کرامت . ( نهج البلاغه ، نامه 53)

با تحقق یافتن این امور ، بسامانی و موفقیت و بهره وری کامل فراهم می شود و در عرصه اقتصادی بیشترین نتیجه حاصل می گردد .

## 5- عمران و آبادانی

عدالت اقتصادی به شدت در گرو عمران و آبادانی است و بدون این جهت گیری و اهتمام بر آن ، نمی توان پایه های عدالت اقتصادی را استوار ساخت . امام علی (ع) در آغاز عهدنامه مالک اشتر بدین موضوع توجه داده و فرموده است : " این آیین نامه ای است از بنده خدا، حضرت علی امیر مومنان ، به مالک اشتر پسر حارث ، در پیمان نامه خویش با او ، هنگامی که وی را سرپرست مصر نمود . به منظور گرد آوردن مالیات ها و پیکار کردن با دشمنان آنجا و به سامان رسانیدن مردمان و آباد کردن شهرهای آن . " ( نهج البلاغه ، نامه 53)

بدون بر پا کردن عمران و آبادی و آثار زیبا و برازنده در کشور و به تعبیر امام (ع) : " جمیل الاثر فی البلاد " ( نهج البلاغه ، نامه 53) نمی توان بستر لازم برای عدالت اقتصادی را تدارک کرد . از منظر امیرالمؤمنان حضرت علی (ع) ، عمران کردن و آباد نمودن ، وظیفه ای انسانی است که هیچ کس نباید از آن شانه خالی کند که سلامت و سربلندی زندگی تابع آن است .

در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: " به درستی که گذران زندگی مردمان، در پنج امر است: حکمرانی، آبادانی، تجارت، اجاره و مالیات ها ... اما توجیه و راهنمای آبادانی، این سخن خداوند است که: " او شما را از زمین پدید آورد و از شما آبادانی آن را خواست. " (سوره هود، آیه 61)

این آیه به ما می فهماند که خدای سبحان، بندگان را به آبادانی زمین، فرمان داده است تا گذران زندگی شود با آنچه از زمین می روید از دانه ها، میوه ها و مانند آن از چیزهایی که خداوند، سبب گذران زندگی بندگان قرار داده است. (المجلسی، 1403 ق: ج 93، ص 47)

انسان از جانب خداوند فرمان یافته که عمران کند و آباد نماید و در این صورت است که می تواند انسانی زیست کند و در جهت عدالت اقتصادی گام زند. این امر چه در عرصه شخصی و چه حکومتی معیار برتری و امتیاز است، چنانکه در آموزه های حضرت علی (ع) آمده است: " فضیله السلطان عماره البلدان. برتری و امتیاز حکمران، در آبادانی شهرها است. " (خوانساری، 1360: ج 4، ص 422)

عمران کردن و آباد نمودن، سیاستی اساسی در حکومت امام علی (ع) شمرده می شد و امام (ع) آن را تکیه گاه استواری برای پیشرفت اقتصادی، رفاه عمومی و تحقق عدالت اقتصادی می دید، چنان که در عهد نامه مالک اشتر فرموده است: " و بدان که باید نگرش تو در آبادانی زمین، رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد، زیرا خراج تنها با آبادانی است که به دست می آید و هر کس که بی آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین های کشور را به ویرانی اندازد و بندگان خدا را به نابودی کشاند و جز اندکی، کار او راست نیاید. (نهج البلاغه، نامه 53)

امام علی (ع)، عمران و آبادی را از ارکان سیاست اقتصادی یک حکومت می دانست و آن را پی می گرفت و اجازه کوتاهی در پاسداشت این سیاست را نمی داد، چنان که نامه وی به قرطه بن کعب انصاری، کارگزار بهقبادات (نام سه منطقه در بغداد)، گویای آن است: " پس از ستایش و سپاس پروردگار و درود بر پیامبر بزرگوار، همانا مردانی از ذمیان، در قلمرو کارگزاری تو، گزارش داده اند که نهی در سرزمین آنان، از میان رفته و نابود شده است و در پایداری آن نهر، آبادانی سرزمین مسلمانان است. در این باره، تو و آنان بنگرید، پس نهر را آباد کن و سامان ده. پس به جانم سوگند که آباد کردن آنان، برای ما دلپذیرتر است از آن که بیرون روند، یا تهی دست شوند یا در وظیفه آباد کردن شهرها کوتاهی ورزند. بدرود. (یعقوبی، 1389: ج 2، ص 203)

امام علی (ع)، در این نامه به خوبی جایگاه عمران و آبادی را در سیاست حکومت خود مشخص کرده و معلوم داشته است که تا چه اندازه بدان اهمیت می دهد. بی گمان جز بر این میسر نمی توان راه عدالت اقتصادی را طی کرد. حضرت علی (ع) در دوران زمامداری خود، به کار و تلاش اقتصادی و فعالیتهای تولیدی و تجاری در راستای موازین شریعت، برای رفاه عامه و ازدیاد ثروت عمومی مسلمانان، اهمیت بسیاری می داد و در این رابطه به استاندارش می نویسد: " سفارش مرا در حق بازرگانان و پیشه وران بپذیر و درباره آنها به کارگزارانت نیکو سفارش کن. خواه آنها که بر یک جای مقیم اند و خواه آنها که با سرمایه خویش این سو و آن سو سفر کنند و با دسترنج خود زندگانی بیابند. زیرا این گروه، خود مایه های منافع اند و اسباب رفاه و آسودگی و به دست آوردن آن از راههای دشوار و دور و خشکی و دریا و دشتها و کوهساران و جاهایی که مردم در آن جاها گرد نیابند و جرأت رفتن به آنجا ننمایند. " (نهج البلاغه، نامه 53)

حضرت علی (ع) در اهمیت زمین و لزوم توجه به آن، نکات مهمی را ذکر می کند و به استاندارش می گوید: " باید بیش از تحصیل خراج، در اندیشه زمین باشی. زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین و هر که خراج می طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی. " (نهج البلاغه، نامه 53)

و در اهمیت آبادانی حکومت و بلاد اسلام و تخفیف خراج در بهبود وضع کشاورزی ادامه می دهد: " هر گاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب و نیامدن باران، یا دگرگون شدن زمین چون در آب فرو رفتن آن یا بی بی آبی، شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، آنقدر که امید داری کارشان را سامان دهد، و کاستن از خراج بر تو گران نیاید زیرا اندوخته ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد. " ( نهج البلاغه، نامه 53)

حضرت علی (ع) در این فرمان، توصیه به کم کردن خراج از کشاورزان می کند تا با کم شدن مالیات، آنان به کار بیشتر و تولید فراوانتر تشویق گردند و در نتیجه موجبات آبادانی حکومت را فراهم سازند. اما م (ع)، علاوه بر توجه به اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی و هموار کردن راههای رشد و توسعه و آبادانی جامعه، از هر عاملی که به این امر لطمه وارد می ساخت، جلوگیری می نمود. (معینی نیا، 1385: ص 126)

اهتمام و تلاش حضرت، به رشد و توسعه اقتصادی جامعه و توجه به نظارت دقیق بر طرق کسب مال و افزایش درآمدهای عمومی و همچنین فرمانها و دستورات پیاپی ایشان به کارگزاران ولایات، در امر آبادانی اراضی برای تولید بیشتر و بهبود وضعیت عمومی جامعه، این ادعا را که اسلام در تنظیم شئون حیاتی انسان به پند و اندرز و نصیحت قناعت ورزیده، به شدت رد می کند زیرا اسلام در تمامی ابعاد و جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر از جمله قلمرو اقتصادی، جدی ترین قوانین فقهی و حقوقی را وضع نموده است و دستورالعملهای اجرایی گذاشته و ممنوعیت هایی را قائل شده است.

## 6- نفی احتکار و تعدی اقتصادی

از دیدگاه حضرت علی (ع)، نابسامانیهای اقتصادی و ستمگری مالی از سوی گروهها، بنگاهها و سازمانهای اقتصادی به جامعه، ننگ یک دولت شمرده می شود و لازم است دولت با نظارت و کنترلی درست از هرگونه تعدی اقتصادی به مردم جلوگیری کند و از جمله اجازه احتکار به سودجویان و تبهکارتان اقتصادی ندهد. (دلشاد تهرانی، 1392: ص 528)

پدیده ای که در آموزه های دینی از زشت ترین ستمهای اقتصادی شمرده شده است، چنانکه از امام علی (ع) وارد شده است: الاحتکار رذیله. احتکار رذیلت است. " (خوانساری، 1360: ج 1، ص 39)

احتکار پدیده ای است که جامعه را در محرومیت و رنج قرار می دهد. و در آموزه های امام علی (ع) آمده است: الاحتکار مطیه النصب. احتکار مرکب رنج و بدبختی است. (الکلینی، 1388: ج 8، ص 19)

و چنین کاری جز از نابکاران بر نمی آید: الاحتکار شیمه الفجار. احتکار خوی نابکاران است. (شرح غررالحکم، ج 1، ص 160)

## 7- مجازات محکران و متعدیان اقتصادی

با توجه به آثار تعدیهای اقتصادی بر جامعه و از جمله احتکار، لازم است دولت بر اساس نظارت و کنترل امور، با دقت و سرعت در مقابله با تعدیهای اقتصادی، اقدامات لازم را انجام دهد و اجازه زیان رسانی به مردمان را ندهد.

ایشان فرمود: " پس هر کس که پس از بازداشتن او، به احتکار دست یازید، مجازاتش کن و بی گزافه کاری به کیفرش رسان. "

1- از وظایف دولت است که به گروهها، بنگاهها و سازمانهای اقتصادی، آموزشهای لازم را بدهد و آنها را از پیامدهای تخلفات و تعدی های اقتصادی آگاه سازد. در آموزه های امام علی (ع) آمده است: " بر امام است که بر اهل ولایت خویش، حدود اسلام و ایمان را بیاموزد. " (خوانساری، 1360: ج 4، ص 318)

همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده است: کوتاهی نکردن در موعظت و کوشیدن در نصیحت.

حضرت علی (ع) تاکید داشت که کسانی که در حوزه اقتصاد وارد می شوند به نیکویی با احکام و قواعد آن آشنا باشند تا بر اساس ضوابط عمل کنند و از پیامدهای هر گونه خلافی آگاه باشند. از آن حضرت چنین روایت شده است: " ای گروه بازرگانان! نخست احکام دادوستد را بیاموزید، سپس بازرگانی، نخست احکام، سپس بازرگانی، نخست احکام، سپس بازرگانی." (الکلینی، 1388: ج 5، ص 150)

و روایت شده است که آن حضرت همواره می فرمود: " کسی که به کار دادوستد آگاه نیست، نباید وارد بازار شود." (الکلینی، 1388: ج 5، ص 154)

2- هر که در هر مرتبه و جایگاهی و با هر گونه ارتباطی با دستگاههای قدرت و ثروت، دست به تعدی اقتصادی زند، لازم است مجازات گردد. در عصر پیامبر اکرم (ص) کسی از اشراف پیوسته تعدی اقتصادی می کرد. رسول خدا (ص) حکم به مجازات او داد. گروههای فشار فعال شدند تا از مجازات او جلوگیری کنند. (دلشاد تهرانی، 1392: ص 531)

3- هر مجازاتی باید با تمام ملاحظات حقوقی و انسانی صورت گیرد و چنانچه این ملاحظات انجام نشود، مجازات پیامد منفی خواهد داشت. از اینرو امام (ع) تاکید کرده است که این کار بدون گزاره کاری باید صورت گیرد. به بیان حضرت علی (ع): " افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزون تر می کند." (خوانساری، 1360: ج 2، ص 43)

## 8- اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف، در حوزه کلان کشوری و همچنین توسط مردم جامعه اسلامی از جمله اموری است که باید در رأس برنامه های اقتصادی قرار داشته باشد، با کمی توجه و دقت در نوع هزینه های جاری کشور و حتی هزینه های عمومی مردم متوجه می شویم بسیاری از دولت ها و مردم عادی از الگوی مصرف صحیح و مورد تأیید آموزه های دینی فاصله فراوانی دارند، مصرف گرایی، اسراف و زیاده روی های نامناسب، هدر دادن منابع و درآمدها در مسیر غلط اقتصادی همه و همه تیشه به ریشه اقتصاد مقاومتی می زند، در روایتی از امام علی (ع) نقل شده است: "از اسراف پرهیز، و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست." (البلاغه، نامه 21)

## 9- زهد و قناعت

یکی از راههای توسعه اقتصادی در جامعه، ترویج روحیه کار و تولید از یکسو و گسترش فرهنگ ساده زیستی، قناعت از سوی دیگر و پرهیز دادن از گسترش روحیه تجمل گرایی و مصرف بیش از اندازه در عموم جامعه، به خصوص ولخرجی، اسراف و تبذیر در میان مسئولان است. (افتخاریان و بابایی، 1397: ص 96) در این میان فرمایشات امام علی (ع) در نهج البلاغه، منشوری جاودانه برای زهد، قناعت و ساده زیستی آحاد مردم و مسئولان است. حضرت علی (ع) در تعریف زهد می فرماید: " همه زهد در دو کلمه از قرآن کریم فراهم است. خدای سبحان می فرماید: " تا بر آنچه از دستتان رفته دریغ نخورید و بدانچه به شما رسیده شادمان مباشید" و آنکه بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد از دو سوی زهد ورزیده است." (خوانساری، 1360: ج 5، ص 325)

در کلام امیرالمؤمنین آمده است: " القناعه مالٌ لا ینفدُ. قناعت مالی است که هرگز تمام نمی شود." (نهج البلاغه، حکمت 57)

یکی از بهترین الگوها و ابزارهای اقتصاد مقاومتی قناعت است. قناعت آثار مهم و با ارزشی همچون بی نیازی، استقلال، سربلندی، خودباوری و خلاقیت را در اجرا و پیاده سازی آن در معنای واقعی به دنبال خواهد داشت که هر یک از این امور سبب مقاومت در برابر فشارها و معضلات اقتصادی، تحریم ها و سیاستهای ظالمانه ی دشمنان خواهد شد.

## 10- نظارت و کنترل بر بازار و امر تجارت

در حکومت حضرت علی (ع)، بازرگانی، تجارت و بازار به عنوان عوامل فعالیت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. امام (ع) ضمن نظارت بر کار آنان و کنترل منافع و در آمد تجار، رسیدگی به وضعیت آنها و ایجاد راههای کسب مشروع را به تمامی کارگزاران توصیه و تاکید فرموده اند. همچنین ایشان، بازرگانان را به سه دسته، بازرگانان ثابت و مقیم، بازرگانان متحرک که در شهرها واسطه گری می کنند و بازرگانانی که با دسترنج خود کار می کنند تقسیم می کرد. (نهج البلاغه، نامه 53) روش حضرت علی (ع)، دستورها و فرمانهای او در این رابطه، بیانگر اهمیتی است که تجارت در رشد و شکوفایی اقتصاد می تواند داشته باشد. زیرا تجارت علاوه بر رونق بازار، ایجاد کار می کند و کار مانع از فقر و نیازمندی می شود. حضرت علی (ع) علاوه بر سفارش به امور بازرگانی، نظارت دقیق بر بازار و فعالیتهای تجاری را از وظایف حکومت اسلامی می داند. این کنترل موجب می شود که تا وضعیت بازار دستاویز عده ای سودجو و منفعت طلب نگردد زیرا گروهی از بازرگانان و تجار، تنها به فکر سود خویش و تراکم و انباشت ثروت هستند اگر چه این عمل نجر به فقر و بیچارگی دیگران شود. (معینی نیا، 1385، ص: 128)

## نتیجه گیری

تامین اقتصاد جامعه در کنار حفظ دیانت مردم، یکی از مبانی فلسفی حکومت اسلامی است لذا اقتصاد یکی از موضوعاتی است که مورد توجه اسلام قرار گرفته و به آن پرداخته شده است. الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع و الگویی ماندگار از نظام اقتصادی اسلام است، که با ایجاد اصلاحات اقتصادی در سطوح وسیع، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه به وجود آورد که جلوه عدالت آن تا سالیان متمادی جامعه را دگرگون ساخت.

بحث اقتصاد مقاومتی دارای یک عقبه بسیار قوی و عمیق دینی است. در واقع این مکتب فکری یک مکتب فکری دینی است که به دنبال شکل گیری اقتصادی فعال، خود اتکا، تلاش گرو بدون نظر و چشم داشت به اقتصاد کشورهای دیگر است.

حکومت علوی از ریشه و بنیان برای ایجاد اصلاحات در جامعه اسلامی پدید آمد و از این رو، به اصلاحات همه جانبه به ویژه در بعد اقتصادی می اندیشید و آنرا سر لوحه اهداف و برنامه های تنظیمی خود قرار داد. اهم برنامه های اصلاحی حکومت علوی را در این زمینه می توان در پنج اقدام اصلی و بنیادین، به عنوان سرفصل کلی برنامه های اقتصادی ایشان ارائه نمود. برنامه های مورد نظر عبارت بودند از: 1- رفع تبعیض در تقسیم بیت المال، 2- برگرداندن داراییهای عمومی به تاراج رفته، 3- جلوگیری از پیدایش ثروتهای انبوه نامشروع در دولت جدید. 4- تلاش در راه عمران و آبادانی زمین، 5- تامین اجتماعی محرومان و از کار افتادگان، که از این پنج برنامه، سه برنامه اول، جنبه سلبی داشت که موانع راه را برای فقر زدایی و توسعه رفاه عمومی هموار می نمود و دو برنامه اخیر دارای جنبه اثباتی بود که برای رفع محرومیت و از میان برداشتن شکاف عمیق طبقاتی به اجرا گذاشته شد. توجه به مساله فقر زدایی و کاستن بار سنگین مشگلات اقتصادی از مردم و برقراری عدالت اقتصادی، در سیره فردی و حکومتی امام علی (ع) به عنوان فریضه ای الهی و ضرورتی دینی مطرح بوده است و نمی توان این اصلاحات را صرفا امر بشری و بیرون از دین دانست. (افشار، 1390: ص 262)

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که براساس رهنمودهای امام علی (ع)، دو دسته راهبردهای فردی و اجتماعی که هر کدام مصادیق و مولفه‌های متعددی را شامل می‌شوند، در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش آفرین و موثر هستند. براساس بیانات امام علی (ع)، راهبردهای فردی شامل اصلاح الگوی مصرف، زهد، قناعت، کار و تلاش اقتصادی، میانه‌روی و اعتدال، ایمان و باور به امداد غیبی و ارتقاء کیفیت تولیدات و محصولات می‌باشد. مهمترین راهبردهای اجتماعی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی از منظر نهج البلاغه نیز مواردی همچون رعایت حقوق فعالان اقتصادی، نظارت و برنامه‌ریزی دولت، تأمین امنیت اقتصادی، تأمین استقلال اقتصادی، تأمین نظام بیمه و بازنشتگی، اصلاح نظام مالیاتی، اهمیت دادن به بخشهای تجارت، صنعت و کشاورزی، مبارزه با فساد اقتصادی، استفاده از مدیران لایق و کارآمد، تدبیر صحیح، دوراندیشی و آینده‌نگری، توجه به علم و اقتصاد دانش بنیان، اقتدار حاکمیتی، فقرزدایی، ایجاد مساوات، تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی می‌باشند.

بنابر این پیشنهاد می‌شود که مبانی، اصول و راهکارهای اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه مورد توجه مدیران و کارگزاران حکومتی قرار گیرد و تلاش گردد تا در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از آنها استفاده شود. با توجه به اینکه راهبردهای فردی و اجتماعی ذکر شده همگی دارای مبانی نظری در علم اقتصاد هستند و از سوی دیگر دارای پشتوانه دینی و فقهی می‌باشند، اتخاذ این راهبردها و عملیاتی نمودن آنها جهت تحقق اقتصاد مقاومتی ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

## منابع:

- نهج البلاغه.
- افشار، اسدالله (1390) فرهنگ، توسعه، عدالت و جهاد اقتصادی، تهران: انتشارات الماس دانش.
- اشرفی امین، یونس (1396) شاخص‌های پیشتازی و ایستایی اقتصادی مسلمانان در چهار دهه نخست هجری در پرتو نهج‌البلاغه، پایان‌نامه دکتری تخصصی رشته الهیات و معارف اسلامی - علوم و معارف نهج‌البلاغه، استاد راهنما: مصطفی دلشادتهرانی، استاد مشاور: محمدهادی امین‌ناجی استاد مشاور: ناصر محمدی، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
- افتخاریان، حسین و محمد بابایی (1397) طرح قرآنی صراط با رویکرد سبک زندگی اسلامی، تهران: نشر دارالقرآن بسیج.
- ابن ابی‌الحدید، ابوحامد، عبدالحمید بن هبۀ الله (1393) ترجمه شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی، تلخیص و ترجمه: محمودرضا افتخارزاده، تهران: انتشارات مدبر، ج 20.
- آمدی، عبدالواحد (1378) غررالحکم و دررالکلم، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الکلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (1388) الکافی، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- الشعیری، محمد بن محمد (1382) جامع الاخبار، تحقیق حسن المصطفوی، تهران: مرکز نشر کتاب.
- المجلسی، محمد باقر (1403 ق) بحارالانوار الجامعه العلوم الاثمه الاطهار، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- بیهقی نیشابوری کیدری، قطب‌الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن (1373) دیوان امام علی (ع)، تصحیح، ترجمه، مقدمه، اضافات و تعلیقات ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات اسوه.

- حائری، سید محسن. (1386) اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه. مترجم: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- جعفری، سید محمد مهدی (1381) پرتوی از نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوانساری، جمال الدین محمد (1360) شرح غرر الحکم و درر الکلم، با مقدمه، تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جلالی پور، رضوان (1394) شاخصه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام علی(ع) با تاکید بر نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی محمد میرجلیلی استاد مشاور: سیدحسین علی دانش، دانشگاه یزد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1392) دلالت دولت، آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: انتشارات دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1379) مزرع مهر؛ موانع و مقتضیات تربیت در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1391) رخساره خورشید: سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه، ویراستار حسن رفعتی، تهران: انتشارات دریا.
- رشاد، علی اکبر (1385) دانشنامه امام علی(ع)، جلد هفتم (اقتصاد)، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- مهدوی سیرت، نرجس (1393) الگوی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی دارالقران الکریم اصفهان.
- محمدی صیفار، مهدی (1393) اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معینی نیا، مریم (1385) سیره اداری امام علی (ع) در دوران خلافت، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1389) تاریخ یعقوبی، مترجم: محمدابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،